



ما به جرم دختر بودن محکوم به حبس شده‌ایم



من راضیه‌ام، دانش آموز بازمانده از مکتب، تحصیل، نفس کشیدن و شاد زیستن. من در بند کسانی‌ام که دو سال زنده‌گی را برای من و سایر دختران و زنان تبدیل به زندان کرده‌اند. این روزها همه چیز در این‌جا بوی رسوایی می‌دهد. حس می‌کنم حواس‌ها در حال پراکنده‌گی‌اند و می‌خواهند راهی برای نجات از این منجلاب بیابند. زادگاهم تبدیل به مردابی شده است که انسان‌ها در آن از زنده‌گی و زنده ماندن سیر آمده‌اند. دخترانش محروم از رویاها، زنان محکوم به خانه‌نشینی...

۵

طالبان و تداوم بحران سیاست دینی



۴



نشست شورای امنیت سازمان ملل؛

آپارتاید جنسیتی طالبان در هنجارهای بین‌المللی تعریف شود

۳

قتل مرموز یک پسر جوان در کابل

صبح ۸ کابل: منابع محلی از قتل مرموز یک پسر جوان باشنده ولایت سمنگان در مربوطات شهر کابل خبر می‌دهند. جسد این پسر به نام نذیرالله دوشنبه‌شب، ۳ میزان، از ناحیه هفتم شهر کابل کشف شده است. نذیرالله ۱۷ ساله، پسر حنیفه امین‌پور، عضو پیشین شورای ولایتی سمنگان در شب عروسی خواهرش بر اثر لت‌وکوب زیاد کشته شده است. به روایت منابع محلی، نذیر الله هنگام مراسم عروسی خواهرش توسط پسران عمه‌اش بیرون از سالون عروسی کشیده و سپس چند ساعت بعد جسد او کشف می‌شود. طالبان یک تن را در پیوند به این رویداد بازداشت کرده‌اند، اما گفته می‌شود که عاملان اصلی قتل این پسر جوان از ساحه فراری شده‌اند. انگیزه دقیق این قتل هم تا کنون مشخص نشده است. رویدادهای جنایی اخیرا در شهرهای مختلف کشور افزایش پیدا کرده است، منابع در کابل می‌گویند که یک هفته پیش جسد یک پسر جوان در ساحه‌ای از دشت برچی شهر کابل کشف و به طب عدلی منتقل شد.

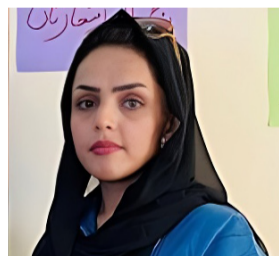
سیما باهوس: جهان از ابزارهای اعمال فشار بر طالبان استفاده کند



به آن مواجه هستند. معاون دبیرکل سازمان ملل متحد خاطرنشان کرده است که حدود ۴۶ درصد زنان افغان گفته‌اند که طالبان «به هیچ‌وجه» نباید به رسمیت شناخته شوند. به گفته وی، حدود ۵۰ درصد زنان دیگر نیز گفته‌اند که در صورت رفع محدودیت‌ها و تامین حقوق زنان با آن موافق خواهند بود. رزا اوتونبایوا، رییس هیات معاونت سازمان ملل در افغانستان نیز در این نشست گفته است که سیاست‌های طالبان که موجب محرومیت زنان می‌شود، برای جامعه بین‌المللی غیرقابل قبول است. نشست «توجهی» شورای امنیت سازمان ملل متحد اکنون در حال برگزاری است.

صبح ۸ کابل: معاون دبیرکل سازمان ملل متحد و مدیر اجرایی زنان این سازمان گفته است که جامعه جهانی باید از همه ابزارها برای اعمال فشار بر طالبان استفاده کند. سیما باهوس، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد و مدیر اجرایی زنان این سازمان روز سه‌شنبه، ۴ میزان، در نشست شورای امنیت این سازمان در نیویارک گفته است که برای بیرون کردن زنان افغان از تاریکی باید از همه ابزارها استفاده شود. وی به نقل از زنان اهل افغانستان گفته است که در جامعه در «زندان» بوده و در خانه‌های خود نیز «زندانی» هستند. او افزود که حدود نیمی از زنان افغان می‌گویند حکومت طالبان «به هیچ‌وجه» نباید به رسمیت شناخته شود. وی تصریح کرده است: «ما صداهای زنان افغان را گاهی ناشنیده می‌گیریم و این نادیده‌انگاری نیز تاثیرات منفی بر آینده افغانستان می‌گذارد.» باهوس علاوه کرده که محدودیت در روابط خانواده‌گی نیز از دیگر مسائلی است که زنان از دو سال به این‌سو

عفو بین‌الملل خواستار آزادی ندا پروانی از بند طالبان شد

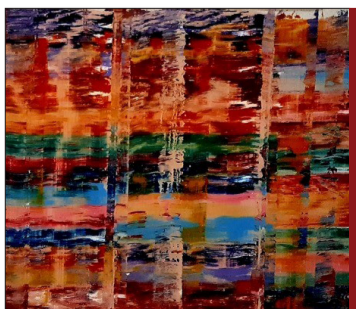


این در حالی است که صبح روز سه‌شنبه، ۲۸ سنبله، ندا پروانی با شوهر و کودکش در کابل از سوی طالبان بازداشت شد. پیش از این نیز ائتلاف جنبش‌های زنان معترض افغانستان در واکنش به بازداشت ندا پروانی، عضو «جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان» در کابل، از سازمان‌های حقوق بشری خواسته است تا او را از نزد طالبان آزاد کنند.

صبح ۸ کابل: سازمان عفو بین‌الملل از بازداشت ندا پروانی، عضو «جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان» همسر و کودکش بی‌قید و شرط آنان از بند طالبان شده است. سازمان عفو بین‌الملل روز سه‌شنبه، ۴ میزان، با نشر پیامی در شبکه ایکس نوشته است که یک هفته از بازداشت ندا پروانی، همسر و کودکش می‌گذرد؛ اما تا اکنون هیچ اطلاعی از محل نگهداری آنان وجود ندارد. این سازمان تصریح کرده است که نقض حقوق بشر از جمله نقض حقوق زنان و دختران در افغانستان ادامه دارد. سازمان عفو بین‌الملل همچنان برای ایجاد یک میکانیسم پاسخگویی مستقل بین‌المللی برای پاسخگو کردن مسوولان نقض حقوق بشر در افغانستان تاکید کرده است.

۷ صفحه

خلق نقاشی اکسپرسیونیسم انتزاعی از موسیقی فولکلور افغانستان



۶ صفحه

«آشوب سقوی» به گزارش شمس‌الدین مجروح





فایق: زنان و دختران افغان در حال تحمل آپارتاید جنسیتی هستند



او بار دیگر درخواست تشکیل جلسه ویژه مجمع عمومی برای رسیده‌گی به آپارتاید جنسیتی در افغانستان را که توسط نماینده‌گان زن افغان در مذاکرات هفته گذشته تکرار شده بود را تکرار کرده است.

نصیراحمد فایق در بیانیه خود علاوه کرده است: «ما همچنان بیانیه‌ها و تعهد به حمایت از مردم افغانستان از جمله زنان و دختران و درخواست‌های طالبان را در مورد احترام به حقوق اساسی بشری مردم افغانستان و فراگیری چندین ریسسان هیات‌ها در جریان مناظره عمومی مجمع عمومی تحسین می‌کنیم.»

وی در بخش دیگر از سخنان گفته که تمرکز طالبان بر تاسیس مدرسه‌های دینی و افراط‌گرایی عمدی جوانان افغانستان، و به خطر انداختن آینده آنان و آینده ملت بوده است.

او افزوده است که از زمان تسلط طالبان بر افغانستان، ۱۵ هزار مدرسه ایجاد شده و حداقل ۱۰۰ هزار استاد برای این مدرسه‌ها جذب شده‌اند.

نشست «توجهی» شورای امنیت سازمان ملل متحد اکنون در حال برگزاری است.

در این نشست رزا اوتونباوا، رییس هیات معاونت سازمان ملل در افغانستان و سیما باهوس، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد و مدیر اجرایی زنان این سازمان نیز سخنرانی کردند.

سیما باهوس گفته است که جامعه جهانی باید از همه ابزارها برای اعمال فشار بر طالبان استفاده کند.

با روی کار آمدن مجدد طالبان در افغانستان، نهادهای بین‌المللی و کشورهای جهان همواره از نقض حقوق بشر و زنان در کشور توسط این گروه ابراز نگرانی کرده‌اند.

۸صبح، کابل: سرپرست نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد گفته است که زنان و دختران افغان در حاکمیت طالبان در حال تحمل آپارتاید جنسیتی هستند و از حقوق اساسی و فرصت‌های اقتصادی محروم شده‌اند.

نصیراحمد فایق، سرپرست نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد روز سه‌شنبه، ۴ میزان، در بیانیه خود در نشست شورای امنیت این سازمان گفته است که در دو سال حاکمیت طالبان، وضعیت کشور بهبود نیافته است.

او تصریح کرده که این وضعیت در حوزه‌های بشردوستانه، حقوق بشر، اجتماعی، امنیتی و سیاسی بدتر و بحران‌های اقتصادی و انسانی عمیق‌تر شده است.

به گفته وی، تحت حاکمیت طالبان شرایط اجتماعی در افغانستان به‌طور قابل توجهی به «قهقرا» ادامه می‌دهد.

فایق اضافه کرده است: «۹۷ درصد جمعیت در حال حاضر در فقر به‌سر می‌برند و دو سوم آن‌ها برای بقای اولیه تلاش می‌کنند. گرسنگی ۲۰ میلیون تن را تحت تاثیر قرار داده، بیکاری افزایش یافته است و با وجود خطرات جدی مهاجرت همچنان ادامه دارد.»

طبق اظهارات وی، حقوق و آزادی‌های زنان و جوانان به حاشیه رانده شده و زنان و دختران با محدودیت‌های شدیدی در زمینه تحرک، دسترسی به آموزش و مشارکت در زنده‌گی عمومی روبه‌رویند.

سرپرست نماینده‌گی افغانستان در سازمان ملل متحد همچنان افزوده است: «مردم در ترس دایمی از انتقام به‌خاطر هر گونه تخلفی که از تفسیر سختگیرانه طالبان از قوانین اسلامی در نظر گرفته شده است، زنده‌گی می‌کنند.»

نماینده پاکستان در سازمان ملل: تی‌تی‌پی می‌تواند تهدیدی برای افغانستان باشد



۸صبح، کابل: منیر اکرم، نماینده پاکستان در سازمان ملل متحد، می‌گوید که اگر تحریک طالبان پاکستانی (TTP)، از بین برده نشود، این گروه می‌تواند پس از نابودی شاخه خراسان داعش تهدیدی برای افغانستان باشد.

به گزارش ای‌پی‌بی، منیر اکرم که سه‌شنبه‌شب، ۴ میزان، در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد سخنرانی می‌کرد، گفت که تی‌تی‌پی تهدید بزرگ به پاکستان، افغانستان و صلح و امنیت جهانی است.

وی افزوده است: «تا زمانی که تحریک طالبان پاکستان و سایر گروه‌های تروریستی مهار و خنثی نشوند، به تهدیدی همیشگی برای همسایه‌گان افغانستان و احتمالاً جامعه بین‌المللی مبدل خواهند شد.»

او به هیأت ۱۵ نفری شورای امنیت گفت که جنگ‌جویان تی‌تی‌پی مسوول یک سلسله حملات تروریستی بیرون مرزی علیه نظامیان و غیرنظامیان در داخل پاکستان هستند.

اکرم تصریح کرده است: «طالبان پاکستان فعالانه مهار نشود، می‌تواند به‌عنوان یک سازمان حمایتی برای گروه‌ها و جناح‌های تروریستی مختلف در افغانستان پس از نابودی داعش ظاهر شود.»

فرد متهم به فساد اداری از سوی طالبان معاون علمی دانشگاه هرات تعیین شد

۸صبح، هرات: منابع محلی در هرات می‌گویند که رییس پیشین دانشگاه این ولایت که به اتهام فساد اداری توسط طالبان از وظیفه برکنار شده بود، اکنون دوباره معاون علمی دانشگاه هرات تعیین شده است.

منابع می‌گویند که عبدالعزیز نعمانی، رییس پیشین دانشگاه هرات که حدود یک ماه پیش از این سمت به اتهام فساد اداری برکنار شده بود، روز سه‌شنبه، ۴ میزان، به‌عنوان معاون علمی دانشگاه هرات تعیین و سپس معرفی شده است.

به گفته منابع، او در دوره‌ای که سمت ریاست دانشگاه هرات را به عهده داشت، افراد دارای سند کارشناسی ارشد را شارت لیست نمی‌کرد و اما کسانی که از نزدیکانش بودند را با سند کارشناسی و با استفاده از ترفندها شارت لیست کرده و استخدام می‌کرد.



منابع می‌افزایند که نعمانی سابقه عضویت در حزب اسلامی را نیز داشته و با تیم کاری‌اش افراد حزبی و منطقه‌شان را به‌عنوان کارمند و استاد در دانشگاه هرات تعیین کرده است.

این در حالی است که چندی پیش ابوالحکمت مفتی عبدالغفار، آموزگار عقیدتی جنگ‌جویان انتحاری طالبان، رییس دانشگاه این ولایت تعیین شده بود.

دانشگاه هرات در غرب افغانستان یکی از بزرگترین مکان‌های علمی در کشور محسوب می‌شود که پس از تسلط طالبان، استادان زیادی به دلیل محدودیت‌های این گروه ترک وظیفه کرده و از افغانستان خارج شده‌اند.

برنامه جهانی غذا؛ با کاهش بودجه یک میلیون مادر افغان از دریافت کمک غذایی محروم خواهد شد

۸صبح، کابل: برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد (WFP) یک بار دیگر از کاهش بودجه این سازمان ابراز نگرانی کرده و می‌گوید که با کاهش منابع مالی یک میلیون مادر افغان و فرزندان‌شان از دریافت کمک غذایی محروم خواهد شد.

برنامه جهانی غذا این اظهارات را روز سه‌شنبه، ۴ میزان، در صفحه اجتماعی ایکس نوشته است.

این سازمان اضافه کرده است: «زنان در افغانستان در شرف از دست دادن آخرین راه نجات خود هستند. این کاهش به این معناست که یک میلیون مادر و فرزندان‌شان دیگر از حمایت غذایی برخوردار نخواهند شد.»

این در حالی است که روز گذشته نیز برنامه جهانی غذا اعلام کرد که ۴۰ میلیون تن در سال روان میلادی در ۵۱ کشور جهان به سطح اضطراری گرسنگی روبه‌رویند و از این میان، ۱۵ میلیون تن از آن‌ها در افغانستان هستند.

براساس تحلیل جدید، کمبود کمک‌های غذایی این سازمان باعث می‌شود کسانی که از پیش با عدم مصونیت شدید غذایی مواجه بودند، در سطح اضطراری عدم مصونیت غذایی قرار گیرند.

کشورهایی که گرفتار شکست‌های پیهم و بحران‌های مکرر می‌شوند، نیروهای نخبه، ورزیده، تحصیل کرده، باتجربه و توانای خود را از دست می‌دهند. یکی از شکل‌های از دست دادن این نیروها، پدیده معروف فرار مغزهاست که بسیاری از جوامع جهان سومی و محروم با آن دست به‌گریبانند. شکل دیگر آن بی‌انگیزه شدن، سرخورده‌گی و ناامیدی عمیقی است که در شرایط تیره و تار به سراغ نخبه‌گان جامعه می‌آید، چه در داخل کشور باشند و چه در خارج آن، اما در عمل هر نوع دل‌بسته‌گی به فعالیت و سهم گرفتن در تحولات اجتماعی را از دست داده و راه انزوا و انفعال در پیش می‌گیرند. در این حالت نیز جامعه زنده‌ترین نیروهایش را از دست می‌دهد و آنان به عناصری خنثا و بی‌هوده تبدیل می‌شوند.

افغانستان یکی از بارزترین نمونه‌های این دست از جوامع است. از روزگاری که کودتای ثور رخ داد و به دنبالش جنگ‌ها و شورش‌های مخالفان آن آغاز یافت، زنجیره‌ای از بحران‌های پایان نیافتنی به راه افتاد و در هر مرحله بخش وسیعی از نخبه‌گان این کشور را به‌شکل فزینی یا روانی به دیار فنا فرستاد. در هر تغییر رژیم که در این کشور اتفاق افتاد، شمار قابل توجهی از چهره‌های علمی و فرهنگی و شخصیت‌های اثرگذار سیاسی و اجتماعی یا به خارج گریخته‌اند و یا در داخل راه گوشه‌گیری در پیش گرفته و به حاشیه رانده شده‌اند.

پس از کنفرانس بن امیدی گسترده در میان نخبه‌گان مهاجر این کشور به وجود آمد و بسیاری از آنان در صدد مشارکت در زنده‌گی سیاسی و اجتماعی برآمدند

و می‌خواستند سهمی در روند بازسازی و توسعه داشته باشند. اما آن امید به‌زودی جایش را به یأس داد، زیرا از یک سو سیستمی وجود نداشت که از متخصصان و کارشناسان به‌خوبی کار گرفته شود و از سویی فرهنگ هم‌گرایی و پذیرش در میان شهروندان این سرزمین ضعیف است و در اثر آن میان طیف‌های مختلف تنش و درگیری رخ داد. هر گروه کوشش می‌کرد که همه عرصه‌ها و مقدرات را در انحصار خود بگیرد و جایی برای بقیه نگذارد. این امر سبب شد که زمینه اعتماد و همکاری میان نیروهای برگشته از خارج و نیروهای داخل شکل نگیرد و از توانایی‌ها و تجربی که داشتند به‌صورت سازنده استفاده نشود.

پس از روی کار آمدن طالبان، گسترده‌ترین موج فرار و مهاجرت از افغانستان رقم خورد و تراژیک‌ترین صحنه‌های آخرالزمانی را پدید آورد. نزدیک به نیم میلیون از کدرهای علمی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و مدنی کشور در مدتی کوتاه به ترک زادگاه خود اقدام کرده و راهی سرزمین‌های غربت و آواره‌گی شدند. اکنون بسیاری از آنان، مانند مهاجران هر سرزمین فروپاشیده و ویران، در برزخی مه‌آلود گیر مانده‌اند. از یک سو حسرت گذشته‌ای که بخشی اجتناب‌ناپذیر از هویت‌شان است و از دیگر سو سردرگمی درباره آینده‌ای که نمی‌دانند چگونه با گذشته خود وصلش کنند.

هنگامی که نخبه‌گان یک سرزمین به ناامیدی و سرخورده‌گی شدید گرفتار می‌شوند، دوره دیگری از فلاکت مردمان آن آغاز می‌یابد و روند سقوط به سراسیمگی فروپاشی تندتر می‌شود. انفعال نیروهای نخبه و اثرگذار و بی‌باوری به توانایی‌های‌شان، عرصه را به مافیا، استفاده‌جویان، معامله‌گران و تبهکاران فراهم می‌سازد تا میدان‌دار حوادث شوند و تاریخ یک سرزمین را بر وفق مراد خود سمت‌وسو بدهند. افغانستان اکنون در چنین وضعیتی قرار دارد.

نشست شورای امنیت سازمان ملل؛

آپارتاید جنسیتی طالبان در هنجارهای بین‌المللی تعریف شود

نصیر احمد فایق، سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد، در سخنرانی خود با اشاره به نقض گسترده حقوق بشر توسط طالبان، گفت که زنان و دختران در افغانستان در حال «تحمیل آپارتاید جنسیتی» هستند. او خواستار نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل برای رسیدگی به این موضوع شد و افزود که این خواست اساسی زنان است.



تقسیم منابع در میان خود درگیری دارند. وی با یادآوری از رشد افراطیت، از جامعه جهانی خواست که با نیروهای سیاسی دموکرات در افغانستان وارد تعامل و گفت‌وگو شود.

در همین حال، شماری از اعضای دایمی و غیردایمی سازمان ملل متحد نیز خواستار فشارهای بیش‌تر علیه طالبان شدند. آنان گفتند که اعضای شورای امنیت با فشار وارد کردن، جلو نقض حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان توسط طالبان را بگیرند. رابرت وود، نماینده امریکا در سازمان ملل متحد، گفت که اعضای شورای امنیت باید برای رفع نقض حقوق بشر و آغاز گفت‌وگو، بالای طالبان فشار بیاورند. او افزود که نقض حقوق بشر از سوی طالبان، در مخالفت با کشورهای اسلامی نیز قرار دارد.

گفتنی است که در این نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد، علاوه بر گفت‌وگو در مورد وضعیت حقوق بشری در افغانستان، از حضور گروه‌های تروریستی و تشدید افراطیت ابراز نگرانی شد. پویستینگنیوا، معاون نماینده روسیه در سازمان ملل متحد، گفت که مسکو نگران خطر گروه‌های تروریستی در افغانستان است. او تصریح کرد که گروه‌های تروریستی به شمول داعش در افغانستان تقویت شده‌اند. این مقام روسی افزود که خطر گسترش تروریسم از افغانستان به آسیای میانه همچنان پابرجاست. همچنان ناتلهلی برودهرست ایستوال، معاون سفیر فرانسه در سازمان ملل متحد، از وخیم‌تر شدن وضعیت امنیتی، سرکوب سیستماتیک مردم و سلب حقوق زنان در افغانستان ابراز نگرانی کرد. او خاطرنشان کرد که وضعیت امنیتی افغانستان به‌شدت نگران‌کننده است و گروه‌های تروریستی چون داعش و القاعده در این کشور پناه گرفته‌اند.

قابل یادآوری است که این نشست با تنش لفظی سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان و سفیر پاکستان در این سازمان پایان یافت. سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان پاکستان را به بازی دوگانه در قبال تروریسم متهم کرد و گفت که وی از یک سو افزایش فعالیت‌های تروریستی را نگران‌کننده می‌خواند و از طرف دیگر برای «یک گروه تروریستی لابی‌گری» می‌کند.

علیه زنان صادر کرده‌اند و اقدام‌های این گروه در راستای محدود کردن حقوق زنان «آپارتاید جنسیتی» است. به گفته وی، آن‌چه در افغانستان اتفاق می‌افتد، باید به رسمیت شناخته شود. از نظر این کارشناس حقوق بشر، سیاست‌های طالبان صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند. از سوی دیگر نصیر احمد فایق، سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد، در سخنرانی خود با اشاره به نقض گسترده حقوق بشر توسط طالبان، گفت که زنان و دختران در افغانستان در حال «تحمیل آپارتاید جنسیتی» هستند. او خواستار نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل برای رسیدگی به این موضوع شد و افزود که این خواست اساسی زنان است.

فایق تأکید کرد که طالبان به نقض شدید حقوق بشر، مجازات‌های وحشیانه، سرکوب رسانه‌ها و جامعه مدنی ادامه داده و جنایات علیه بشریت و نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه را در افغانستان رایج کرده‌اند. به گفته او، شرایط به‌طور قابل توجهی به قهقرا رفته و زنان و سایر گروه‌های اجتماعی به حاشیه برده شده‌اند. فایق خاطرنشان کرد که طالبان آزادی‌های فرهنگی و هنری را نیز حذف یا سرکوب کرده‌اند. افزون بر این، سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان افزود که مردم با ترس دایمی از انتقام‌گیری و قوانین سخت‌گیرانه طالبان روبه‌رویند. به گفته نصیر احمد فایق، ازدواج‌های اجباری و سوءاستفاده جنسی مقام‌های طالبان، بدون مجازات جریان دارد و این زنان را در معرض تهدید جدی قرار داده است. او همچنان تصریح کرد که مردم شاهد بازداشت‌های خودسرانه، قتل‌های غیرقانونی، ناپدید شدن اجباری و شکنجه هستند و بیش از همه نظامیان پیشین و غیرنظامیان متهم به عضویت در گروه‌های مخالف طالبان، در معرض خطر قرار دارند.

فایق با ابراز نگرانی شدید از بدتر شدن وضعیت امنیتی، افزود که طالبان با پناه دادن به ۲۰ گروه تروریستی، افغانستان را به پناه‌گاه تروریسم مبدل کرده‌اند و بیانیه‌های آنان در مورد مبارزه با مواد مخدر و تروریسم پوچ و بی‌معناست. به گفته او، طالبان بر سر قاچاق مواد مخدر و

این گروه همه زنان به شمول خود او را متأثر ساخته است. به گفته اوتونبایوا، سیاست‌هایی که موجب محرومیت زنان شود، برای جامعه بین‌المللی پذیرفتنی نیست. با این حال، رییس یوناما خواستار ایجاد «استراتژی تعامل مجدد» با طالبان شد و گفت که نباید درهای گفت‌وگو با این گروه بسته شود.

همچنان سیما باهوس، مدیر اجرایی زنان سازمان ملل متحد، با تأکید بر کار گرفتن از همه ابزارها به هدف فشار وارد کردن بر طالبان، خواستار تعریف «آپارتاید جنسیتی» در حقوق بین‌الملل شد. او در سخنرانی خود از کشورهای خواست که از تدوین صریح «آپارتاید جنسیتی» در حقوق بین‌الملل حمایت کنند. به گفته وی، حمله‌های سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده طالبان در برابر این قشر را تشکیل می‌دهد و برای پاسخگویی به آن، باید «آپارتاید جنسیتی» در هنجارهای بین‌المللی تعریف شود. سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل

نیز با اشاره به نقض گسترده حقوق بشر توسط طالبان، می‌گوید که زنان و دختران در افغانستان در حال تحمیل آپارتاید جنسیتی‌اند و باید یک نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل برای رسیدگی به این موضوع تشکیل شود. او می‌افزاید که طالبان به نقض شدید حقوق بشر، مجازات‌های وحشیانه، سرکوب رسانه‌ها و فعالان مدنی ادامه داده‌اند. افزون بر این، ۱۱ کشور با صدور بیانیه‌ای، رفتار طالبان در قبال زنان را «آزار جنسیتی» توصیف کرده‌اند.

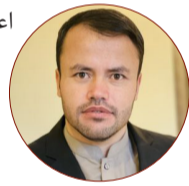
نقض حقوق بشر و وضع ممنوعیت‌های گسترده علیه زنان، از دو سال به این سو محور اساسی گفت‌وگوهای بین‌المللی را در مورد افغانستان تشکیل می‌دهد. شورای امنیت سازمان ملل متحد روز گذشته نشستی ویژه را درباره وضعیت حقوق بشری در افغانستان برگزار کرد. در این نشست علاوه بر اعضای دایمی و غیردایمی شورای امنیت، دو مقام سازمان ملل متحد نیز سخنرانی کردند.

در آغاز این نشست، رزا اوتونبایوا، رییس دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، با ارایه گزارش سه‌ماهه از وضعیت کشور، گفت که طالبان به نقض حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان ادامه داده‌اند و ممنوعیت‌های

اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد با برگزاری نشستی در مورد وضعیت افغانستان، از نقض حقوق بشری، به‌ویژه حقوق زنان افغانستان، ابراز نگرانی کردند.

در این نشست، اکثر کشورها خواستار فشارهای بیش‌تر بر طالبان برای برداشتن ممنوعیت‌ها در برابر زنان شدند. مدیر اجرایی زنان سازمان ملل نیز از نماینده‌گان کشورها خواست تا از تلاش‌ها برای تدوین صریح «آپارتاید جنسیتی» در حقوق بین‌الملل حمایت کنند. او گفت که حمله‌های سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده علیه زنان، نگرش طالبان در برابر این قشر را تشکیل می‌دهد و برای پاسخگویی به آن، باید «آپارتاید جنسیتی» در هنجارهای بین‌المللی تعریف شود. سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل نیز با اشاره به نقض گسترده حقوق بشر توسط طالبان، می‌گوید که زنان و دختران در افغانستان در حال تحمیل آپارتاید جنسیتی‌اند و باید یک نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل برای رسیدگی به این موضوع تشکیل شود. او می‌افزاید که طالبان به نقض شدید حقوق بشر، مجازات‌های وحشیانه، سرکوب رسانه‌ها و فعالان مدنی ادامه داده‌اند. افزون بر این، ۱۱ کشور با صدور بیانیه‌ای، رفتار طالبان در قبال زنان را «آزار جنسیتی» توصیف کرده‌اند. نقض حقوق بشر و وضع ممنوعیت‌های گسترده علیه زنان، از دو سال به این سو محور اساسی گفت‌وگوهای بین‌المللی را در مورد افغانستان تشکیل می‌دهد. شورای امنیت سازمان ملل متحد روز گذشته نشستی ویژه را درباره وضعیت حقوق بشری در افغانستان برگزار کرد. در این نشست علاوه بر اعضای دایمی و غیردایمی شورای امنیت، دو مقام سازمان ملل متحد نیز سخنرانی کردند.

در آغاز این نشست، رزا اوتونبایوا، رییس دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، با ارایه گزارش سه‌ماهه از وضعیت کشور، گفت که طالبان به نقض حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان ادامه داده‌اند و ممنوعیت‌های



امین کاوه

سراسیمه‌گی روسیه در مواجهه با طالبان

کج شجاع‌الدین امینی



و کله‌شوق‌تر می‌سازد؛ چون فکر می‌کنند که قدرت مسلمانان و به نمایندگی از افغانستان اشتراک می‌کنند و دنیا هم برای‌شان مشروعیت قابل است.

استدلال مقام‌های روسی از آن‌رو، مایه تعجب است که در نوامبر سال گذشته، عدم دعوت از طالبان در چهارمین نشست فارمت مسکو را نیز تن‌دادن این گروه به ایجاد دولت فراگیر عنوان کرده بودند. در نظر مقام‌های مسکو دعوت و عدم دعوت از طالبان یک علت دارد: عدم ایجاد دولت فراگیر. اگر این‌گونه است، عقل حکم می‌کند که عدم دعوت از طالبان می‌تواند به‌مثابه ابزار فشار موثر علیه این گروه در زمینه فوق عمل کند، نه دعوت از آن.

۲- نه تنها روسیه که بسیاری از کشورهای منطقه تلاش‌شان جلب اعتماد طالبان است نه دوری‌جستن از این گروه. بسیاری‌ها فکر می‌کنند که گرایش زیاده از حد طالبان به کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، رویکرد کشورهای منطقه به‌ویژه چین، ایران و روسیه را در قبال این گروه تغییر خواهد داد. این تصور نیز چندان موجه نمی‌نماید. برعکس، به هر پیمان‌ه طالبان به کشورهای غربی نزدیک شوند، کشورهای منطقه نیز به همان پیمان‌ه تلاش می‌کنند از در مفاشات با طالبان وارد شوند تا خاطر این گروه نرنجد. اما اگر طالبان به دامن کشورهای منطقه سقوط کنند، کشورهای غربی می‌توانند طالبان را در مسیری که دوست دارند هدایت کنند؛ چرا که

جنگ، سهم بگیرند؛ چرا که از سوی جهان غرب تحت تحریم اقتصادی قرار دارند. حالا، سوریه دست به دامن چین شده که به نظر نمی‌رسد این کشور روی سوریه لِرزان و بی‌ثبات هزینه کند. ضعف حامیان، شاید با گذشت زمان، سوریه را متمایل به غرب کند.

کشورهای منطقه به‌ویژه روسیه زمانی از طالبان روی برمی‌گردانند و به نیروهای مخالف این گروه مراجعه خواهند کرد که منافع‌شان از سوی گروه طالبان یا سایر گروه‌هایی که تروریستی می‌خوانند، از خاک افغانستان به‌گونه روشن تهدید شود. در غیر آن، گزینه مطلوب برای‌شان، تداوم سیاست تعامل با طالبان است. روسیه درست است که از ناحیه افغانستان نگرانی دارد، ولی هنوز منافعش در تیررس مستقیم حمله‌های هراس‌افگانه قرار نگرفته است؛ چیزی که پاکستان بدان گرفتار است. ولی اگر موضع پاکستان در برابر طالبان، معیار قرار داده شود، دشوار بتوان گفت که در موضع بقیه کشورهای منطقه نسبت به این گروه تغییر پدید آید، حتی اگر منافع‌شان به‌گونه مستقیم تهدید شود. برای نمونه، دو سال تمام است که نظامیان پاکستان در نتیجه حمله‌های هراس‌افگانه تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) کشته می‌شوند؛ اما نه تنها از مسیر تعامل با طالبان دور نمی‌شوند، بل بقیه کشورها را نیز به حمایت از این گروه دعوت می‌کنند.

۳- شعارها و خواست‌های مسکو به ظاهر قشنگ می‌نماید، ولی برای عملی‌سازی آن در مسیر نادرست گام می‌گذارد. تلاش برای ایجاد دولت فراگیر و پایان دادن به بحران جاری در افغانستان از جانب هر کشوری صورت گیرد، امر پسندیده است، ولی زمانی می‌توان نیت مسکو را جدی خواند که به نیروهای مخالف طالبان نیز روی خوش نشان دهد. برای نمونه، معقول این بود که از نیروهای مخالف طالبان نیز در نشست دعوت می‌شد. تاکید روسیه یا هر کشور دیگر بر ایجاد دولت فراگیر در افغانستان به این مفهوم است که طالبان مالک انحصاری کشور نیستند، بل یک طرف قضیه هستند. اما برای حل بحران افغانستان، دعوت از یک سوی قضیه راهگشا که نیست، بل به بحران می‌افزاید.

ابزار فشار موثر در اختیار دارند، در حالی که کشورهای منطقه فاقد آن هستند. برای نمونه، دولت‌های غربی اقتصادهای برتر دنیا هستند و طالبان را می‌توانند با تداوم و قطع حمایت مالی تشویق یا هم سرزنش کنند. همچنان، می‌توانند مقام‌های طالبان را در معرض تحریم از هر نوع آن قرار دهند، چنان‌که کردند. در حالی که این ابزارها در اختیار قدرت‌های منطقه قرار ندارد و اگر هم داشته باشد، بعید به نظر می‌رسد که علیه طالبان استفاده کنند. شاید مثال روشن در این زمینه کشور سوریه باشد. درست است که روسیه و ایران در ماندن بشار اسد در قدرت موفق شدند، ولی نتوانستند در بازسازی ویرانه‌های پس از

طالبان و تداوم بحران سیاست دینی

کج ملاز یار شعله



جامعه‌ای است که طالبان تلاش دارند آن را بهترین جامعه تا کنون موجود جا بزنند. زنان در جامعه آرمانی طالبان از زنده‌گی حذف نمی‌شوند. نباید هم شوند؛ چون حتا طالبان نیز به زنان نیاز دارند. اما زنان در جامعه طالبانی باید به حدی تحقیر و مهار شوند که سرانجام کوتاه آمده و تنها نقشی را که اسلام مورد نظر طالبان به آن‌ها داده است، بپذیرند و دست از بلندپروازی بکشند: رفع نیازهای شهوانی مردان و کار خانه‌گی. این چیزی است که حتا در جامعه اسلامیزه‌شده افغانستان مورد پذیرش همه مردم قرار نگرفته است. زنان شهرنشین که اصلاً آن را نپذیرفته و همچنان مقاومت می‌کنند. مقاومت زنانه در افغانستان زیر کنترل طالبان یکی از معدود مقاومت‌های مردمی قابل احترامی است که اگر بیش‌تر گسترش یابد، می‌تواند بقای رژیم طالبان را با چالش جدی مواجه کند. مقاومت زنانه حتا در مقیاس کوچک کنونی نیز امیدبخش و دل‌گرم‌کننده است، و طالبان از ادامه آن نگران هستند و به این دلیل، از هیچ تلاشی برای سرکوب آن دریغ نکرده‌اند.

ادامه در صفحه ۵

ساری کرد و این روند همچنان ادامه دارد. اما طالبان هر قدر بیش‌تر بر طبل تطبیق شریعت اسلام می‌کوبند، به همان میزان فقر، فساد و درمانده‌گی گسترده‌تر از قبل گلوگیر مردم می‌شود. طالبان از تطبیق شریعت خوشحال و سرمستند و مردم از گرسنه‌گی، سردرگمی و فاجعه غم بغل کرده‌اند. این پارادوکس از بحرانی حکایت دارد که در نظم طالبانی با گذشت هر روز چاق‌تر می‌شود و زنده‌گی زیر سایه چنین نظم فرسوده، مسموم‌شده و آفیونی به تقویت وضعیتی کمک کرده است که پیروی بی‌کم‌وکاست از سیاست ترس، درمانده‌گی و انزوا به‌جای شورش و مقاومت علیه وضعیت موجود، از عناصر اصلی آن است. این همان

یک اسلام‌گرای طالب یا غیرطالب علت اصلی عقب‌مانده‌گی جوامع اسلامی را بپرسید، پاسخ ساده و همیشه آماده‌ای به شما تحویل می‌دهد و آن این است که جوامع مورد نظر، اسلام را از یاد برده‌اند. راه حل نیز بسیار ساده است: اگر اسلام برگردد و شریعت تطبیق شود، همه چیز درست می‌شود. اما آیا تنها بازگشت اسلام و اجرای شریعت برای نجات یک جامعه غرق در فقر، نابرابری، فساد و فاجعه کافی است؟

به نظرم دو سال حاکمیت طالبان بر افغانستان به این پرسش، پاسخ قانع‌کننده داده است. این گروه در جریان دو سال گذشته هیچ کم‌وکسری در تطبیق اسلام باقی نگذاشت و تا توانست شریعت را بر سروصورت شهروندان جاری و

پنجمین نشست فارمت مسکو روز جمعه، ۲۹ سپتامبر سال روان، در شهر کازان، پایتخت جمهوری خودمختار تاتارستان روسیه برگزار می‌شود. در این نشست، نماینده‌گان کشورهای چین، هند، ایران، پاکستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی به اضافه نماینده مسکو شرکت خواهند کرد. چیزی که این نشست را متفاوت ساخته، حضور نماینده طالبان است. در نیمه جولای سال روان، دیمیتری ژیرنوف، سفیر روسیه در افغانستان، به دیدار مولوی امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان، رفت و از وی رسماً برای اشتراک در نشست فارمت مسکو دعوت کرد. پس از تسلط طالبان بر افغانستان، تا کنون سه نشست در قالب فارمت مسکو برگزار شده و این بار دوم است که طالبان در آن اشتراک می‌کنند. به نمایندگی از این گروه، مولوی عبدالسلام حنفی، معاون رییس‌الوزرا، در ۱۹ اکتوبر ۲۰۲۱ در سومین نشست فارمت مسکو حضور یافته بود، ولی طالبان در چهارمین نشستی که در ۱۶ نوامبر ۲۰۲۲ برگزار شد، دعوت نشده بودند. در خصوص نشست حاضر چند نکته مطرح است:

۱- برای روسیه، طالبان هنوز انتخاب خوب است. این که برخی‌ها فکر می‌کنند، مسکو با طالبان زاویه پیدا کرده و به‌روی نیروهای مخالف این گروه آغوش می‌گشاید، زیاد موجه به نظر نمی‌رسد. اگر چنین می‌بود، از نماینده طالبان در فارمت مسکو پذیرایی نمی‌کرد. البته این در حالی است که روسیه علت دعوت از طالبان را، تن‌دادن این گروه به ایجاد دولت فراگیر اعلام کرده است. به این معنا که کشورهای اشتراک‌کننده در نشست، جمعاً نگرانی‌شان را در زمینه فوق با نماینده طالبان شریک خواهند کرد. این استدلال مقام‌های روسی واقعاً مایه تعجب است و سراسیمه‌گی آن‌ها را در مواجهه با طالبان نشان می‌دهد. دعوت از طالبان در نشست منطقه‌ای به جای آن که این گروه را به تمکین در برابر مطالبات دنیا وادار کند، جری‌تر

شکی وجود ندارد که سیاست دینی در بحران مزمین و پایدار به‌سر می‌برد. این بحران زمانی بیش‌تر خودش را برملا می‌کند که سیاست دینی ظاهراً موقعیت هژمونیک داشته باشد و دین‌سالاران بر اریکه قدرت تکیه زده باشند. این مساله‌ای است که حکومت‌گران دینی از آن غافلند و تصور می‌کنند در اوج شادابی و شگوفایی هستند و بنا براین، سخن گفتن از بحران یاوه‌گویی‌ای بیش نیست که از سوی دشمنان شکست‌خورده انجام می‌شود. به طالبان نگاه کنید. این گروه به بحرانی دم‌ودامن بیش‌تر داده که هیچ‌گاهی وجود خودش را به رسمیت نمی‌شناسد: بحران سیاست دینی. دین‌سالاری طالبانی آمده است تا جامعه را از بحران نجات دهد و حالا در اوج قدرتمندی‌اش به‌سر می‌برد، پس چگونه می‌تواند خودش در بحران باشد؟ توهم نجات

طالبان به‌سان تمام اسلام‌گرایان در تلاش نجات جامعه‌ای هستند که به باور آن‌ها گرچه اسلامی است، اما ارزش‌های کفری و سکولار در آن بر دیانت و ایمان غلبه کرده‌اند. شما وقتی از

طالبان و...



سایر محدودیت‌ها و قیدوبندهای طالبانی بر زنده‌گی مردم نیز مقبولیتی در جامعه ندارد و تنها با زور شلاق و میله تفنگ اعمال می‌شود. وقتی سایه ماموران امر به معروف و نهی از منکر طالبان از سر مردم دور شود، زنده‌گی به روال عادی‌اش برمی‌گردد و کسی به امر و نهی طالبان اهمیتی قایل نمی‌شود. این یعنی، سیاست دینی حتی در جامعه عقب‌مانده‌ای از نوع افغانستان خیلی از واقعیت پس مانده است و نمی‌تواند نیازهای امروزی زمانه ما را برآورده کند، و با خودش را با واقعیت‌های جاری وفق دهد. نوعی لجاجت طالبانی اما همچنان اصرار دارد که برای نجات جامعه از شر کفر و بی‌دینی باید آن را چندین قرن عقب، به دوران صدر اسلام برد. این توهم «نجات جامعه» بدترین و فاجعه‌بارترین حماقتی است که تا کنون از هزاران انسان شوربخت در افغانستان قربانی گرفته است.

پس از بازگشت طالبان به قدرت که تجارت دین رنگ‌ورونق تازه‌تری پیدا کرده، توهم نجات وارد فضا به مراتب ویران‌گر از قبل شده است؛ چون تنها در مسجد و مدرسه محدود نمانده و از پشتیبانی بی‌دریغ دولتی برخوردار است. با این وجود نیز، اصرار طالبان برای بازگشت به صدر اسلام که در واقع فراخوان مستبدانه انحلال واقعیت زنده عصر اطلاعات در قالب تنگ و تاریک ایدئولوژی بیابان‌گردی و توحش است، حتی مورد پذیرش مسلمانان قرار ندارد، چه رسد به دیگران. اکثریت مسلمانان، تحمیل سبک زنده‌گی طالبانی را نوعی لجاجت جاهلانه قبیله‌ای می‌دانند که سرانجام، بحران در سیاست دینی از نوع «امارت اسلامی» را به نقطه جوش غیرقابل مهار خواهد رساند که پایان خوشی برای طالبان به ارمغان نمی‌آورد.

سیاست بدوی

سیاست طالبانی خوانش به‌شدت بدوی از سیاست ارایه می‌کند؛ خوانشی که با زمانه ما هیچ همخوانی ندارد. سیاست دینی بدترین و ارتجاعی‌ترین نوع سیاست نماینده‌گی‌پسند است که با تکیه بر روایت کور و غیرواقعی از وضعیت، تلاش می‌کند ما را به عصر بیعت ببرد. طالبان از ما می‌خواهند در عصر دموکراسی نئولیبرال، رعیت‌وار و بی‌چون‌وچرا از امیرالمومنین آنان اطاعت کنیم؛ امیرالمومنینی که فقط از پشت با مردم سخن می‌زند و به کسی هم پاسخ‌گو نیست. این اوج افتضاح سیاست دینی است. پس، هر قدر طالبان عمر سیاسی بیش‌تری داشته باشند، به بحران سیاست دینی دم‌ودامن گسترده‌تری می‌دهند. مردم با گذشت هر روز بیش از پیش در عمل خواهند دید که «اسلام عزیز» مورد نظر طالبان چقدر درمانده، بحران‌زده و شکست‌خورده است.

سیاست دینی طالبانی که از توهم شدید «نجات جامعه» از شر کفر، فساد، بی‌چاره‌گی و فاجعه رنج می‌برد، بیش از همه خودش به نجات از این وضعیت رقت‌بار نیاز دارد. اما میزان توهم دانایی در میان طالبان به‌حدی عمیق و نهادمند است که هیچ امیدی برای نجات سیاست دینی از باتلاقی که خود آن را ساخته، وجود ندارد و تنها سیاست غیردینی سکولار می‌تواند به این توهم نقطه پایان بگذارد.

خودم را هنوز پر می‌بینم، خیلی باید بریزم تا تمام شود. می‌خواهم یک لحظه خود را تحویل دهم، فرو بریزم و و دیگر نباشم. زنده‌گی زیر حاکمیت مستبد طالبان که من و هزاران دختر را از همه چیز رانده است، خیلی سخت می‌گذرد. همین گروه رویاهایم را از من دزدیده است. روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و بالاخره دو سال گذشت و دل‌مان را به امید واهی که می‌گفتند همه چیز خوب خواهد شد، خوش کرده بودیم؛ اما هیچ کسی فریادمان را نشنید. صدای میلیون‌ها دختر بازمانده از تحصیل، آموزش و رویاهای بلندی که فریادشان به ناکجاها رسید، خفته باقی مانده است. ما دل‌مان را به کی و چه خوش کنیم؟ ما فراموش شده‌گانیم. ما را جهان از یاد برده است. اگر روزی برسد که طالبان دختران و زنان را زنده به گور کنند، آن وقت نیز کسی برای نجات‌مان اقدام نخواهد کرد.

گاهی پس از بارها فکر کردن با خود می‌گویم که واقعا ما در قرن بیست‌ویک زنده‌گی می‌کنیم. دیگران در جست‌وجوی راهی برای زنده‌گی در سیاره‌ای دیگرند، آنگاه ما از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی به خاطر جنسیت‌مان محرومیم. ما در دهکده‌ای سراسر ظلم و وحشت زنده‌گی می‌کنیم که جدا از سایر جغرافیاست. این‌جا زنده‌گی تعطیل، کار تعطیل، نان تعطیل، دانشگاه تعطیل، مکتب تعطیل، سفر تعطیل، موسیقی تعطیل، عشق تعطیل، هنر تعطیل، علم و دانش تعطیل، همه چیز تعطیل شده است، جز ریختن خون انسان‌های بی‌گناه، شلاق و سنگ‌سار، دره، سرکوب و وحشت، بربریت و ظلم. باقی همه امور حرام است. این‌همه در کمال بی‌خبری اجرا می‌شود و چشم‌ها در قبال این‌همه ناملایمت بسته می‌ماند.

در میان این نابه‌سامانی‌ها قلب من نیز سخت خسته و ناامید شده است. اولین بار است که می‌خواهم آرزو و رویاهایم را ترک کنم. این برای من باور نکردنی است. مگر ممکن است دلیل زنده بودن این‌همه سال را رها کنم و رخت سفر ببندم؟ می‌دانم روح و جسمم خسته از این‌همه ناملایمت است و باید مقاومت کند، ولی انگار کارم به نابودی کشیده است. گاهی لحظه‌ای در اعماق تاریکی‌ها پا می‌گذارم و از خود می‌پرسم که در چه حالی هستی؟ از این‌که در حال نابودی هستی و قصد داری خود را خلاص کنی، خوشحالی؟ یا دل تو هم همانند حاکمان زادگاهت از سنگ است. آیا بعد ترک رویاهای خود، دلت به دختری که همه هدف زنده‌گی‌اش رسیدن به آن بود، تنگ نمی‌شود؟ این‌گونه برای همیشه همه چیز را ترک نکن. بگو که بعد از ختم حاکمیت زورگویان و زن‌ستیزان، باز می‌گردی و دوباره خود را به من می‌رسانی. قول می‌دهم آن زمان بیش‌تر از هر وقت دیگر تلاش کنم تا به رویاهایم برسم. امیدی به من بده تا با شنیدن صدایت، من هم شروع به نفس کشیدن کنم. بیا باز هم منتظر باشیم تا من امیدی به آینده پس از طالبان داشته باشم. آخر من از بی‌تو بودن، می‌ترسم.



ما به جرم دختر بودن محکوم به حبس شده‌ایم

کجر راضیه الهام

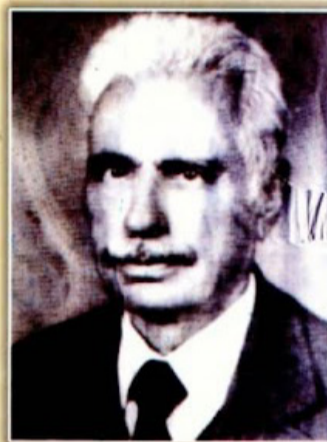
من یکی از دختران بازمانده از خوش‌بختی که در قعر همین مرداب گیر کرده و نفس‌هایم به شمارش افتاده است، از کسانی که در اوج خوش‌بختی زنده‌گی می‌کنند و همه دغدغه‌هایشان چگونه‌گی پرواز به قله‌های موفقیت است، می‌پرسم که اگر جای من بودید، چه می‌کردید؟

بایسکل سوار شود و باد موهایم را نوازش دهد، دلش را به دریا زده و جاده‌ها را پرسه بزند و شب‌گردی کند. عاشق باشد، عاشق دلخوشی‌های کوچک، عاشق رویاهایم و عاشق خیالات قشنگی که او را با دنیای بی‌تفاوتی‌ها وصل کند. دلم می‌خواهد این‌همه حس خوب را با خود نگه دارم و از دستش ندهم. این خیال‌بافی دنیای زیبایی است، به زیبایی لبخند از ته دل دختران شاد و آزاد. می‌خواهم عاشق دختر بودنم باشم و از دنیای دخترانه ترسم و حتی لحظه‌ای دستم را از این دنیای قشنگ جدا نکنم و با بادهای متحد شده و توفان‌ها را شکست دهم.

این دنیای قشنگ همه دختران است، جز من و دختران سرزمینم. تصور این دنیا خیلی زیبا، دلربا و فریبنده است. وقتی سرم را از لحظات خوب آن برمی‌دارم، می‌بینم که باز من هستم و دنیای واقعی که در آن همه چیز جرم پنداشته شده است. آنگاه است که اشک چشمانم می‌چکد و قطره‌های آن دست و صورت‌م را تر می‌کند. هق‌هق نالیدنم زیاد می‌شود. گاهی دلم را به آینده خوبی که می‌گویند قرار است از راه برسد، خوش می‌کنم و اشک چشمانم خشک می‌شود، اما آن آینده خوب کجاست؟ چطور باید به آینده خوب امیدوار بود؟ اگر پنج، ده یا بیش‌تر سال عمرم در انتظار روزهای خوب سپری شود و من به این وضعیت رقت‌بار عادت کنم، چه؟ اگر جوانی و انرژی‌ام بگذرد، چه؟ این‌همه سوال بی‌پاسخ ذهنم را درگیر کرده است و

من راضیه‌ام، دانش‌آموز بازمانده از مکتب، تحصیل، نفس کشیدن و شاد زیستن. من در بند کسانی‌ام که دو سال زنده‌گی را برای من و سایر دختران و زنان تبدیل به زندان کرده‌اند. این روزها همه چیز در این‌جا بوی رسوایی می‌دهد. حس می‌کنم حواس‌ها در حال پراکنده‌گی‌اند و می‌خواهند راهی برای نجات از این منجلاب بیابند. زادگاهم تبدیل به مردابی شده است که انسان‌ها در آن از زنده‌گی و زنده ماندن سیر آمده‌اند. دخترانش محروم از رویابافی، زنانش محکوم به خانه‌نشینی و مردانش نیز مجبور به اطاعت بی‌چون‌وچرا شده‌اند. اطاعت از حاکمان ظالم و مستبدی که زنده‌گی میلیون‌ها انسان را گروگان گرفته‌اند. این حاکمان و هم‌نوعان‌شان، جسم‌شان آلوده، سایه‌های‌شان ترسناک و رفتارشان ظالمانه است که شانه‌های مردم را می‌لرزاند. تازیانه آنان عاطفه را از چهره‌ها و قلب‌ها ربوده و تاریکی را در اعماق قلب‌ها جا داده است. این گروه دختران بی‌گناه و زنان رنج‌دیده را در گوشه‌های خانه‌ها زندانی کرده و زجرکش می‌کند. در همین مرداب است که دختران و زنان هنوز نفس می‌کشند، اما به معنای واقعی مرده‌اند. من یکی از دختران بازمانده از خوش‌بختی که در قعر همین مرداب گیر کرده و نفس‌هایم به شمارش افتاده است، از کسانی که در اوج خوش‌بختی زنده‌گی می‌کنند و همه دغدغه‌هایشان چگونه‌گی پرواز به قله‌های موفقیت است، می‌پرسم که اگر جای من بودید، چه می‌کردید؟ من در طول زنده‌گی به خاطر دستیابی به ساده‌ترین آرزوهایم، همواره مبارزه کرده‌ام؛ اما اکنون همه را باخت‌ام و همه چیز دست‌نیافتنی شده است. دلم خیلی برای آن دختر رویاباف دق کرده است که می‌خواست برای یک بار هم که شده لباسی را که دوست دارد بر تن کند، موهایم را باز بگذارد، هدفونی که از آن ساز زنده‌گی نواخته می‌شود را در گوش کند،

سرگذشت من



سید شمس الدین مجروح

۱۳۹۱

به کوشش سید فضل اکبر

«آشوب سقوی» به گزارش شمس الدین مجروح

واقعیت‌ها باشد، نشان‌دهنده نفرتی نیست که مجروح از قدرت‌گیری حبیب‌الله کلکانی در دل داشته و این نفرت به روشنی در گزارشش انعکاس یافته است؟

مجروح در همین جا مدعی می‌شود که «در مردم شهر و روشنفکران یگانه امید که مانده بود همین بود که چشم به راه موفقیت و ظفر آن‌ها [محمد نادر و محمد هاشم] بودند.» (ص ۷۲). ضعف این ادعا را وقتی می‌توان دریافت که به یاد بیاوریم، دوران پادشاهی محمد نادر یکی از تاریک‌ترین دوره‌ها برای روشنفکران و تحصیل‌کرده‌های کابلی و همچنین خون‌بارترین دوران برای مردم شمالی و شمال کشور بوده است. در رویداد نمادین، محمد نادر به‌دست یک شاگرد مکتب به قتل رسید. به نظر مجروح، افغانستان در زمان محمد نادر، «راه سالم پیشرفت و ترقی و تحول» را در پیش گرفت، اما او در سال چهارم سلطنت خود به قتل رسید و «خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود.» (ص ۸۲). او از جنایت‌های کم‌مانند محمد نادر در حق مردم شمالی و شمال افغانستان هیچ یاد نمی‌کند. روشنفکری که در دام تعلقات قومی بیفتد، ممکن نیست رفتار بهتر از این از خود بروز دهد.

تفاوت لحن گزارش مجروح در مورد به پادشاهی رسیدن حبیب‌الله کلکانی و محمد نادر نیز جالب و عبرت‌آموز است. او در مورد دستیابی حبیب‌الله به ارگ می‌گوید که او کابل را تصرف کرد، اما وقتی از تصرف کابل توسط لشکریان وزیرستان و جنوبی به سرکرده‌گی محمد نادر سخن می‌زند می‌گوید که «نادرخان به کابل رسید و به پادشاهی برگزیده شد.» (ص ۷۵).

همه می‌دانیم که تاریخ افغانستان به‌صورت بی‌طرفانه به ما گزارش نشده است. غالباً تاریخ را حکومت‌ها یا درس‌خوانده‌هایی که گرفتار برتری‌خواهی‌های قومی یا گرایش‌های ایدئولوژیک بوده‌اند، نوشته‌اند. از این‌رو، بدون نقد کتاب‌هایی که در گذشته در مورد افغانستان نوشته شده، نمی‌توان به درک واقعیت‌ها نزدیک شد. از روشنفکران توقع برده می‌شود که موشکافانه و با خون‌سردی از وقایع گذشته بنویسند و فارغ از رنگ و نژاد و قوم، به درد و دغدغه انسان‌های عادی این سرزمین بپردازند. ادعاهای روشنفکرمانه افرادی که مدعی روشنفکری‌اند اما به جای نقد قدرت، خدمت‌گزار آن می‌شوند، پشیزی نمی‌ارزد. به عمل کار برآید به سخن‌دانی نیست.

«سرگذشت من» حاوی نکات بکر و نغز است و اگر پژوهش‌گران تاریخ معاصر افغانستان، آن را مطالعه کنند، بهره می‌برند. روایت مجروح از تاریخ از آن جهت که دست‌پاچه است و اهمیت از نزدیک با اوضاع کشور مانوس بوده اهمیت دارد. با همه این احوال، مطالعه خاطرات شمس‌الدین مجروح، این موضوع را نیز آفتابی می‌کند که او از جمله روشنفکرانی بوده که به برتری‌طلبی قومی و زبانی باور دارند و در نقل و گزارش وقایع تاریخی، گاهی علایق و عقاید خود را دخیل می‌سازند. شاید هیچ کسی قادر نباشد در داوری‌های خود مفروضات و عقاید خود را به کلی کنار نهد و از این رهگذر مجروح مستثنا نیست. با وجود این، یادمان باشد گزارش‌هایی را که با علایق سیاسی و قومی و ایدئولوژیک عجین باشد، بدون چون‌وچرا نباید پذیرفت و لازم است محتاطانه با آن برخورد کرد.

از سنت‌های معمول بداندیم و سقوط پادشاهی امان‌الله به دست وی را به این تعبیر کنیم که تاریخ از مسیر اصلی‌اش منحرف شده است؟ برداشت من از این عبارت‌هایی که مجروح در مورد کلکانی به کار برده، این است که او از این که فردی که از تبار غیرپشتون است قادر شده قدرت را تصاحب کند، از درد به خود می‌پیچد. اصلاً باید مجروح به این نکته توجه می‌کرد که قواعد و سنن را انسان‌ها می‌سازند و همچنین تاریخ چیزی نیست جز مجموعه‌ای از اقدام‌ها و رفتارهای انسان‌های گوشت‌وپوست‌دار. اگر آدم‌ها روزی تصمیم بگیرند این قواعد را عوض کنند، این کار به آسانی صورت می‌پذیرد و تاریخ به مجرای دیگری می‌افتد و از این اتفاق نباید تعجب کرد.

توصیفی هم که مجروح از چهره ظاهری حبیب‌الله کلکانی به دست می‌دهد، نژادمحورانه و با بهره‌گیری از اصطلاح‌سازی‌های برتری‌طلبان نژادی است: «چشم و بینی او چهره مردان تورانی مغولی را به خاطر می‌آورد. معلوم بود که او از اختلاط دو نژاد آریایی و تورانی به وجود آمده است.» (ص ۶۴). می‌دانیم که اصطلاح‌های «آریایی» و «تورانی» اصطلاح‌های برساخته در فضای فاشیسم نژادی رایج در سال‌های جنگ جهانی دوم است، و گرنه در گذشته این دو واژه به آن معانی‌ای که هواداران ناسیونالیسم افراطی در افغانستان و ایران از آن استفاده می‌کنند، هرگز استفاده نشده است. اصلاً این اصطلاح‌ها محصول دوران مدرن است و از این لحاظ ممکن نیست در سابق وجود داشته باشد.

پس از سقوط امان‌الله، شمس‌الدین مجروح و همراهانش از کُنر به کابل می‌آیند تا خانواده عمومی مجروح را از کوه‌دامن به کُنر ببرند، اما بنا به درخواست حبیب‌الله کلکانی، در روزهای جشن استقلال در کابل می‌مانند تا مراسم مختلف شادی و سرور را تماشا کنند. در این روزها مجروح به شهر و بازارهای کابل نیز سر می‌زده است. به بیان او، «کابل به یک شهر ماتم‌زده و افسرده تبدیل شده بود که جوانان مکتبی و خون‌گرم، گوشه گرفته و کنار رفته بودند، اعیان و اشراف دوره گذشته، بعضی در زندان به‌سر می‌بردند و بعضی هم در خانه بازداشت شده بودند. مکتب‌ها بسته و معلمین، بی‌کار و بی‌روزگار مانده بودند، کاروبار تجارتنی تقریباً فلج بود.» (ص ۷۱-۷۲).

در مورد کسادگی کاروبار تجارت در زمان قدرت‌گیری حبیب‌الله، چنان که مجروح نیز تصریح کرده، یکی از عوامل این بوده که اکثر راه‌ها بسته بوده و مال‌التجاره به پایتخت نمی‌رسیده است. علاوه بر آن، چون تحول ناگهانی و خلاف‌آمد عادت رخ داده بوده و معلوم نبوده اوضاع به چه منوال پیش می‌رود، بازرگانان با احتیاط رفتار می‌کرده‌اند. این که مجروح مدعی می‌شود که شهر افسرده بود و جوانان مکتبی گوشه گرفته بودند، سوالی را به ذهن متبادر می‌کند: چند باب مکتب ابتدایی یا متوسطه در شهر کابل وجود داشت که تعطیلی آن‌ها باعث شده باشد، خیل جوانان بی‌کار و بی‌مضمون شوند؟ سوال دیگر: افرادی که به شغل آموزگاری در آن دوران مشغول بودند به چه تعداد بالغ می‌شدند که بتوان با گشت‌وگذار در خیابان‌ها انزوای آنان را حس کرد؟ آیا این ادعاها بیش از آن که نمایانگر

از این پس از خاطره‌نویسی دست می‌کشد. از همین جهت است که هیچ خبری از یک ربع قرن اخیر زنده‌گی مجروح در این کتاب نیست. راجع به خاطرات شمس‌الدین مجروح، می‌توان از جنبه‌های گوناگون سخن زد، اما من در این‌جا تمرکز بر دیدگاه‌های او در خصوص به قدرت رسیدن حبیب‌الله کلکانی است. به نظرم، داوری مجروح در باب دوران کوتاه پادشاهی حبیب‌الله کلکانی، نکاتی را درباره او آشکار می‌کند و به درستی قسمتی از اندیشه و جهان‌بینی‌اش را بازتاب می‌دهد. مجروح به جهت آن که خاطراتش را در بیرون از کشور نوشته، توانسته به روشنی و صراحت حرف‌هایش را بزند و دیدگاه‌هایش را با خواننده‌گان در میان بگذارد، بی آن که هراسی از این داشته باشد که از فضای استبداد و اختناق آسیب ببیند. او در مورد امان‌الله، حبیب‌الله کلکانی، محمد نادر، محمد ظاهر، محمد هاشم صدراعظم، شاه محمود صدراعظم، محمد داوود، تره‌کی و امین به روشنی داوری کرده است. در این میان، لحن داوری‌اش در باب حبیب‌الله کلکانی، قابل بحث و تأمل بیش‌تر است.

شمس‌الدین مجروح به قدرت رسیدن حبیب‌الله کلکانی را «انقلاب یا آشوب سقوی» می‌نامد و هرگز حاضر نمی‌شود کلکانی را به حیث پادشاه افغانستان به رسمیت بشناسد. او وقتی برای اولین بار در ارگ به ملاقات حبیب‌الله کلکانی می‌رود، چنین می‌نویسد: «من برای بار اول این اعجوبه یا طفره تاریخ را می‌دیدم. اعجوبه به این معنا که پادشاهی او به کلی خلاف معمول و خارج از سنن و قواعد جاریه بود، و طفره تاریخ به این معنا که جریان تاریخ چون مسیر عادی خود را بگذارد و منحرف شود پس از مدتی به مجرای اصلی خود برمی‌گردد. می‌توان این چنین حوادث را طفره گفت.» (ص ۶۳-۶۴).

مجروح در این جا در کنار این که برای تاریخ مسیر خطی تعریف می‌کند و از این بابت ادبیاتش به ادبیات مارکسیست‌ها شباهت می‌رساند، قضاوتش در باب حبیب‌الله کلکانی، قضاوتی به‌شدت قبیله‌گرایانه است و رنگ و لعاب غلیظ قومی دارد. چرا باید به پادشاهی رسیدن حبیب‌الله کلکانی را خلاف معمول و خارج

پیش از مطالعه کتاب خاطرات میرمحمد صدیق فرهنگ، تاریخ‌نویس برجسته افغانستان، شناخت اندکی نسبت به شمس‌الدین مجروح داشته‌م. همین مقدار می‌دانستم که مجروح فرد کتاب‌خوان و باسواد بوده و در زمان سلطنت محمدظاهر برخی از مناصب مهم دولتی را بر عهده داشته است. فرهنگ در خاطراتش اطلاعات بیش‌تری در مورد او برایم داد. با مطالعه خاطرات فرهنگ، دانستم که مجروح در دورانی از زنده‌گی‌اش با محمد داوود، از رهبران سیاسی قبیله محمدزایی در قرن بیستم، دم‌خور بوده و در اثر این مجالست‌ها به افکار ناسیونالیستی افراطی تمایل یافته است. به نوشته فرهنگ، زمانی که مجروح ریاست کمیسیون تسوید قانون اساسی در سال ۱۳۴۲ را بر دوش داشت، بر این موضوع پافشاری می‌ورزید که نباید از زبان فارسی در کنار زبان پشتو در قانون اساسی نام گرفته شود، چون این کار برابری میان این دو زبان را تداعی می‌کند و خشم مردم را برمی‌انگیزد. گفته می‌شود که او از اعضای سرشناس حرکت پشتون‌گرای ویش‌زلمیان نیز بوده و در شکل‌گیری آن نقش بارز داشته است. خاطرات صدیق فرهنگ حس کنجکاوی‌ام را تحریک کرد تا وی را بیش‌تر بشناسم. بهترین راه برای شناخت یک فرد و جهان‌بینی‌اش، زنده‌گی‌نامه خودنوشت اوست. روزی از علامه گوگل سوالی را می‌پرسیدم که از حسن تصادف به نسخه پی‌دی‌اف خاطرات شمس‌الدین مجروح برخوردم. خاطرات مجروح به‌عنوان «سرگذشت من» در سال ۱۳۹۱ انتشار یافته است.

شمس‌الدین مجروح در «سرگذشت من» از محیط خانواده‌گی، محیط تعلیمی، محیط اجتماعی، تحولاتی که با به قدرت رسیدن امان‌الله در افغانستان رونما شد، انقلاب یا آشوب سقوی، دوره ظاهرشاه، افغانستان بعد از جنگ دوم جهانی و قضیه پشتونستان، دوره صدارت محمد داوود، دوره تحول (دهه دموکراسی)، سفر به خارج و دوره تره‌کی و امین سخن می‌زند. مجروح تا زمان روی کار آمدن ببرک در افغانستان باقی می‌ماند و سپس تصمیم می‌گیرد از کشور بیرون شود. او

خلق نقاشی اکسپرسیونیسم انتزاعی از موسیقی فولکلور افغانستان

کج جواد تقی زاده سالاری

فریدالله ادیب آیین، یک هنرمند تجسمی با رویکرد هنری اش به نقاشی، که به سبک اکسپرسیونیسم انتزاعی که با هرچومرج کنترل شده نقاشی قطره‌ای و کنشی مشخص می‌شود، مفاهیم مرسوم هنر را به چالش کشید و راه را برای اشکال جدید بیان هنری هموار کرد. در این مقاله، به زنده‌گی فریدالله ادیب آیین، تکامل هنری و تکنیک نقاشی همگامانه‌اش می‌پردازیم و چگونه‌گی تغییر رویکرد نوآورانه‌اش را در دنیای هنر تلفیق موسیقی و نقاشی بررسی می‌کنیم.

زنده‌گی اولیه و تأثیرات

دوران کودکی ادیب آیین اثر عمیقی از مناظر وسیع، فضاهای باز و هنر بومی گرفته است. او در معرض هنر رئالیسم قرار گرفت که اغلب دارای عناصر انتزاعی و نمادین بود. این مواجهه با زبان بصری هنر رئالیسم بعداً به هنر او کمک کرد و منجر به گنجاندن نقوش انتزاعی و نمادین در آثار او همچون اثر مقام افیون شد. برای درک سبک منحصر به فرد و تکنیک نقاشی فریدالله ادیب آیین، بررسی زنده‌گی اولیه او و تأثیراتی که وی را به‌عنوان یک هنرمند شکل داده، بسیار مهم است.

نقاشی دیواری برجسته

در سال ۱۳۸۰، ادیب آیین یک نقاشی دیواری برجسته کرد. تأثیر جنگ‌های داخلی و مواد مخدر در افغانستان بر هنر ادیب آیین عمیق‌تر شد، زیرا ادیب آیین را با اصول نقاشی دیواری آشنا کرد که بر آثار در مقیاس بزرگ و استفاده از فرم‌های برجسته و رسا تأکید داشت. این قرار گرفتن در معرض نقاشی دیواری بعداً بر مقیاس و شدت نقاشی‌های خود ادیب آیین تأثیر گذاشت.

آثار اولیه ادیب آیین

در دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰، کار فریدالله ادیب آیین در مراحل مختلف تکامل یافت که نشان‌دهنده علاقه فزاینده او به انتزاع و آزمایش بود. در این دوره، او مجموعه‌ای از نقاشی‌های متأثر از نقاشی‌های دیواری بزرگ و مواجهه‌اش با هنر انتزاعی را تولید کرد.

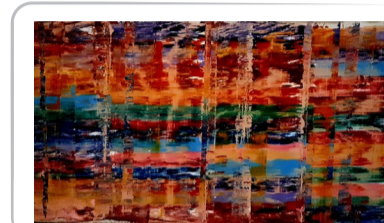
گذار به انتزاع

همان‌طور که ادیب آیین به اکتشاف انتزاع ادامه داد، کار او از تصاویر رئالیستی دور شد و به سمت انتزاع پیش‌تر رفت. او برای ایجاد بافت و عمق در نقاشی‌هایش شروع به آزمایش با مواد و تکنیک‌های مختلف مانند ماسه، شیشه و ریسمان کرد. برای مثال، «مقام افیون» (۱۳۸۰)، سبک انتزاعی و پرانرژی را با فرم‌های پویا و ناهموار نشان می‌دهد.

تولد نقاشی و موسیقی

لحظه موفقیت برای ادیب آیین در اوایل دهه ۱۳۹۰ بود که او شروع به آزمایش تلفیق نقاشی و موسیقی کرد. او به‌جای استفاده از قلم مو یا ابزار سنتی، شروع به ریختن و چکاندن رنگ به‌طور مستقیم روی بوم کرد. و نتها، ضربها و دیرنهدا در فاصله گام‌های پرده‌های راگ‌ها.

این رویکرد به او اجازه داد تا کنترل را رها کند و خودانگیخته‌گی را در آغوش بگیرد و باعث ایجاد ویژه‌گی‌های «نقاشی کششی» شود که به‌خاطر آن شهرت دارد. نام اثر شماره یک، «ملا ممد جان» است که در میراث فرهنگی ایران ثبت شده است.



اثر ملا ممد جان

خلق اثر تلفیق موسیقی با نقاشی به نام ملا ممد جان

اثر ملا ممد جان تلفیق موسیقی با نقاشی در یک راگ بهیروی با هفت پرده سر در دو شعر «بیا که بریم به مزار ملا ممد جان» سرایش شده است. در این اثر هنری، نت‌های زیرویم با رنگ‌هایی از قرمز تیره تا رنگ بنفش در چرخه رنگ از زیر تا به بم با فواصل ضربات آهنگ کنش با کارک بزرگ سه متری کنش و کشی در زمان اجرای موسیقی به‌صورت زنده خلق شده است. آهنگ ملا ممد جان یک آهنگ سرایشی فولکلور باستانی افغانستان است که تمام فارسی‌زبانان جهان با این آهنگ و شعرش آشنا هستند.

بیا که بریم به مزار ملا ممد جان
سیل گل لاله‌زار وا وا دلبر جان
برو با یار بگو یار تو آمد
گل نرگس خریدار تو آمد

ترکیب نقاشی و موسیقی در سبک انتزاعی یک تلاش جذاب و خلاقانه است. هنر انتزاعی طیف گسترده‌ای از تفاسیر و احساسات را امکان‌پذیر می‌کند و آن را برای ادغام با کیفیت‌های بیانی موسیقی مناسب می‌سازد. در این اثر تلفیقی موسیقی با نقاشی انتزاعی هفت پرده و راگ بهیروی و داری آهنگ سه دقیقه است.



اثر چاله‌ها

تکنیک و فرایند

تکنیک نقاشی کنشی ادیب آیین شامل قرار دادن بوم روی زمین و حرکت در اطراف آن، چکاندن یا ریختن رنگ از ظرف‌ها و با یک کاردک فلزی است که بالای بوم نگه داشته می‌شوند. حرکات او روان و ریتمیک است و اغلب از تمام بدن خود برای کنترل جریان رنگ استفاده می‌کند. این



اثر قلعه‌های باستانی



اثر مقام افیون

تسخیر ناخودآگاه

نقاشی‌های کنشی ادیب آیین به‌عنوان راهی برای تسخیر ضمیر ناخودآگاه و بهره‌برداری از جنبه‌های خام و فیلترنشده روان انسان تلقی می‌شود. لایه‌های رنگ، چکه‌ها و پاشیدن‌های آشفتنه و عدم وجود فرم‌های واضح، بیننده‌گان را به تفسیر آثار به شیوه عمیقاً شخصی و درون‌گرا دعوت می‌کند.



اثر سرخ عنابی

نقد و مناقشه

در حالی که نقاشی‌های قطره‌ای فریدالله ادیب آیین تحسین قابل توجهی را به خود جلب کرد، با انتقاد و بحث و جدل نیز مواجه شد. برخی از منتقدان، اعتبار و شایسته‌گی هنری رویکرد غیرمتعارف او به نقاشی را زیر سوال بردند.



اثر خیال

آیا هنر است؟

یکی از رایج‌ترین انتقاداتی که بر آثار ادیب آیین وارد می‌شود، این سوال است که «آیا هنر است؟» سنت‌گرایان و شکاکان استدلال می‌کنند که تصادفی بودن و فقدان موضوع قابل تشخیص در نقاشی‌های ادیب آیین شک و تردیدهایی را در مورد وضعیت آن‌ها به‌عنوان هنر اصیل ایجاد می‌کند. این بحث بر خروج هنر تأکید دارد.

فیزیکی‌ت و شدت ژست جزء لاینفک روند هنری او است.

عناصر روانی و عاطفی

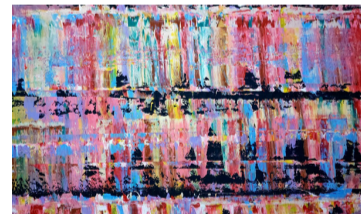
نقاشی‌های کنشی ادیب آیین نه تنها در مورد عمل فیزیکی نقاشی است، بلکه حس عمیقی از احساسات و عمق روانی را نیز منتقل می‌کند. عمل خلق این آثار به شکلی از کاتارسیس برای هنرمند تبدیل شد و به او اجازه داد تا آشفتنه‌گی درونی خود را روی بوم رها کند. این بعد عاطفی کار او با مضامین گسترده‌تر از بیست‌سالگی و اضطراب پس از جنگ‌های داخلی افغانستان در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۴۰۰ طنین‌انداز شده است.



اثر آبشارهای سرخ

تأثیر نقاشی کنشی

نقاشی‌های قطره‌ای فریدالله ادیب آیین، که شامل آثار نمادینی مانند «مقام افیون» و «چاله‌ها» می‌شود، تأثیر عمیقی بر دنیای هنر گذاشت و امکانات هنر انتزاعی را دوباره تعریف کرد.



اثر آبشارهای رنگی

شکستن سنت

نقاشی‌های قطره‌ای ادیب آیین مفاهیم سنتی نقاشی را در هم شکست. فقدان موضوع قابل تشخیص یا عناصر بازنمایی، بیننده‌گان را وادار کرد تا با نقاشی‌ها در سطح کاملاً انتزاعی و احساسی درگیر شوند. این نشان‌دهنده انحراف از درک متعارف هنر به‌عنوان بازنمایی جهان مرئی است.

محمدعلی نظری، مقیم مهران
رضا مرادی
Info@8am.media
0700175510 - 0788788799
Shaparsepehr@gmail.com
صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محق
سرمدیر: حسیب بهش
دبیر تولید: محمد نوید جویا
خبرنگار ارشد: امین کاوه

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

ارتش پاکستان از حمله نظامیان این کشور به یک «مخفی گاه» اعضای تی تی پی در نزدیکی مرز افغانستان خبر داده است. ارتش پاکستان با نشر اعلامیه‌ای گفته که این حمله ناوقت روز دوشنبه، ۲۵ سپتامبر، در مربوطات ایالت خیبرپختون خوا انجام شده است. برینیا خبرنامه، در پی این حمله سه نیروی تحریک طالبان پاکستان به شمول یک فرمانده این گروه کشته شده‌اند. تی تی پی تا کنون در این مورد ابراز نظری نکرده است. این در حالی است که حدود دو هفته پیش تحریک طالبان پاکستان بر منطقه چترال ایالات خیبرپختون خوا حمله گسترده‌ای را انجام دادند. در پی این حمله به طرف‌های درگیر جنگ تلفات وارد شد.

روز جهانی نابودی کامل
تسلیمات هسته‌ای؛گوترش خواستار از بین بردن
سلاح‌های هسته‌ای شد

انتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، تنها راه «از بین بردن خطر هسته‌ای» را نابودی این سلاح‌ها در جهان عنوان کرد.

گوترش این اظهارات را روز سه‌شنبه، ۲۶ سپتامبر، در صفحه اجتماعی ایکس به مناسبت «روز جهانی نابودی کامل تسلیحات هسته‌ای» نوشته است.

او اضافه کرده است: «در حالی که روز جهانی نابودی کامل تسلیحات هسته‌ای را گرامی می‌داریم، باید با هم همکاری کنیم تا این وسایل تخریب را یک‌بار برای همیشه حذف کنیم.»

گفتنی است که انتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد سال گذشته نیز هشدار داد که تنها یک سوءتفاهم یا اشتباه محاسباتی می‌تواند بشریت را در آستانه «نابودی هسته‌ای» قرار دهد.

گوترش در دهمین کنفرانس بازبینی «معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» در نیویارک با اشاره به بحران‌های جهانی از جمله وضعیت نابسامان اقتصادی پس از همه‌گیری کرونا، بحران‌های اقلیمی و جنگ و نقض حقوق بشر، هشدار داده بود که در چنین وضعیتی جهان با سطحی از خطر هسته‌ای روبرو است که مشابه آن از زمان اوج جنگ سرد دیده نشده است.

یک سوم سناتورهای دموکرات آمریکا خواستار
استعفای باب مندز شدند

بیش از یک سوم سناتورهای حزب دموکرات آمریکا از جمله کوری بوکر، خواستار استعفای باب مندز و همسرش به دلیل دریافت رشوه از سه تاجر نیوجرسی شده‌اند.

رویترز سه شنبه شب، ۲۶ سپتامبر، گزارش داده است که باب مندز و کوری بوکر، هردو نماینده ایالت شمال شرقی نیوجرسی آمریکا هستند.

پیشتر مندز گفت که در سنا باقی می‌ماند و با اتهامات مبارزه خواهد کرد.

دست‌کم ۱۷ سناتور از مندز خواستند تا از موقوفش کنار برود.

دموکرات‌ها ۵۱ کرسی، از جمله سه کرسی مستقل که معمولاً با آنها رای می‌دهند، در مقابل ۴۹ کرسی جمهوری خواهان این مجلس را در اختیار دارند.

بوکر در بیانیه‌ای گفته است: «من معتقدم کناره‌گیری سناتور مندز که عمر خود را صرف خدمت کرده است، بهترین است.»

در همین حال، چاک شومر، رهبر دموکرات‌های مجلس سنای آمریکا، گفته که مندز حق محاکمه عادلانه دارد، اما نگفته است که

روسیه: تانک‌های آبرامز آمریکا
نمی‌توانند وضعیت جنگ در
اوکراین را تغییر دهند

ریاست جمهوری روسیه اعلام کرده است که ارسال موشک‌های دوربرد (ATACMS) و تانک‌های آبرامز آمریکا به اوکراین، وضعیت را در میدان جنگ تغییر نخواهد داد.

به گزارش رویترز، دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، این موضوع را روز سه‌شنبه، ۲۶ سپتامبر، در واکنش به ارسال تانک‌های آبرامز آمریکا به اوکراین بیان کرده است.

به گفته پسکوف، نیروهای مسلح روسیه به‌طور مداوم در حال تطبیق برنامه مسکو با استفاده از انواع جدید تسلیحات در اوکراین هستند.

وی افزوده است: «همه اینها به هیچ وجه نمی‌تواند بر ماهیت عملیات ویژه و نتیجه آن تأثیر بگذارد. هیچ نوع سلاحی وجود ندارد که بتواند توازن قدرت را در میدان جنگ تغییر دهد.»

پیش از این، ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، گفت که تانک‌های آبرامز ساخت آمریکا وارد کشورش شده‌اند.

دسترسی به تانک‌های پیشرفته و جت‌های جنگی، یکی از خواسته‌های اصلی کی‌یف از متحدان غربی‌اش بود.

پسکوف با اشاره به سایر تانک‌های غربی ارایه شده به کی‌یف، که شامل لئوپارد ساخت آلمان و چلنجر بریتانیا می‌شوند، گفته است: «تانک‌های آبرامز سلاح‌های جدی هستند، اما به یاد داشته باشید که رئیس جمهور در مورد تانک‌های دیگر ساخته شده در کشور دیگر چه گفت.»

در کنار تانک‌های آبرامز، مقام‌های اوکراینی بارها از دولت آمریکا به رهبری بایدن، خواستار دریافت سیستم‌های موشکی تاکتیکی ارتش (ATACMS) نیز شده‌اند.

در همین حال، برخی رسانه‌های غربی گزارش دادند که جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، روز جمعه، ۲۲ سپتامبر، به زلنسکی اطلاع داده است که واشنگتن همچنان موشک‌های دوربرد (ای تی ای سی ام اس) را در اختیار کی‌یف قرار خواهد داد.

کاخ سفید و وزارت دفاع آمریکا در مورد نشر این گزارش‌ها ابراز نظری نکرده‌اند.

این در حالی است آمریکا از آغاز حمله روسیه به اوکراین، به ارزش میلیاردها دلار کمک نظامی و غیرنظامی به کی‌یف ارایه کرده است.



استعفا بدهد یا خیر. کاخ سفید از ابراز نظر در این مورد خودداری کرده است.

در صورت کناره‌گیری مندز، جانشین وی در انتخابات سال آینده تعیین خواهد شد.

مندز، ۶۹ ساله، که یکی از سناتوران برجسته در روابط خارجی این مجلس است، طبق قوانین حزبی، احتمالاً از سمت خود به‌عنوان رییس کمیته روابط خارجی سنا کناره‌گیری کند.

مندز برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ به عضویت سنا انتخاب شد و قبل از آن در مجلس نماینده‌گان آمریکا کار می‌کرد.

دادستان‌های امریکایی گفتند که این سناتور در ازای استفاده از قدرت و نفوذ خود برای کمک به دولت مصر و دخالت در تحقیقات اجرای قانون در مورد تاجران، هدایای طلایی و صدها هزار دلار پول نقد دریافت کرده است.

در صورت محکومیت او و همسرش، نادین مندز ۵۶ ساله، ممکن است با ۴۵ سال زندان مواجه شوند، هرچند قضات در این نوع پرونده‌ها معمولاً کمتر از حداکثر مجازات را تعیین می‌کنند.



مقام‌های روسیه که تداوم حمله خود به اوکراین را به‌عنوان بخشی از تلاش برای نازی‌زدایی این کشور می‌دانند، این اقدام پارلمان کانادا را محکوم کرده‌اند.

دولت فرانسه نیز پس از تقدیر این کهنه‌سرباز نازی، خواستار استعفای رییس پارلمان کانادا شده است.

رییس پارلمان کانادا از سمتش کنار می‌رود

تمجید از یک کهنه‌سرباز اوکراینی که طی جنگ جهانی دوم برای نازی‌ها جنگیده بود، عذرخواهی کرد، اما هنوز منتقدان دولت کانادا، از این کار روتنه خشم‌گین هستند.

پارلمان کانادا روز جمعه، ۲۲ سپتامبر، پس از سخنرانی زلنسکی در پارلمان این کشور، یاروسلاو هونکای ۹۸ ساله را تشویق کردند. در این مراسم هونکا به‌عنوان قهرمان جنگی معرفی شد که طی جنگ جهانی دوم برای لشکر اول اوکراین مبارزه کرده است.

روتنه گفته که هیچ یک از اعضای پارلمان کانادا و حتی هیأت اوکراینی از برنامه وی برای معرفی این کهنه‌سرباز اطلاعی نداشته‌اند.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که آنتونی روتنه، رییس پارلمان کانادا، در پی افزایش فشارها به دلیل قدردانی از یک کهنه‌سرباز نازی اوکراینی در پارلمان این کشور، از موقوفش کناره‌گیری می‌کند.

الجزیره سه‌شنبه شب، ۲۶ سپتامبر، گزارش داده که آنتونی روتنه، پس از فشارها مجبور به استعفا شده است.

چند روز پیش پارلمان کانادا با حضور جاستین ترودو، نخست‌وزیر این کشور و ولادیمیر زلنسکی، رییس جمهور اوکراین، از یک سرباز نازی متولد اوکراین تقدیر کرد.

هرچند رییس پارلمان کانادا به دلیل دعوت و

عمران خان به زندان آدیلا در اوپندی منتقل شد



طبق گزارش‌ها، دولت پاکستان اطمینان داده است تمام نیازهای خان از جمله مراقبت‌های

صحتی با رعایت دقیق دستورالعمل‌های زندان پس از استقرارش در آن جا برآورده خواهد شد. این در حالی است که دادگاه ویژه‌ای که برای رسیدگی به پرونده‌های مربوط به قانون اسرار دولتی تشکیل شده است، بازداشت قضایی عمران خان، رییس و شاه محمود قریشی، معاون حزب تحریک انصاف پاکستان (PTI) را تا ۱۰ اکتوبر تمدید کرد.

بربنیاد گزارش‌ها، عمران خان، رییس حزب تحریک انصاف و نخست‌وزیر پیشین پاکستان به زندان آدیلا در اوپندی منتقل شده است. اکسپرس تریبیون روز سه‌شنبه، ۲۶ سپتامبر، گزارش داده است که پولیس پاکستان خان را به زندان «بدنامی» به نام آدیلا منتقل کرد، جایی که در گذشته چندین نخست‌وزیر پیشین آن کشور محکومیت خود را سپری کرده‌اند.